



Investigating the nature of the legal system governing adoption in Iran and the United States

Azizeh Bohloli¹, Ahmad Reza Khazaei^{2*}, Jamshid Masoumi³

1. PhD Student, Department of Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

2. Associate Professor, Department of Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

3. Assistant Professor, Department of Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

ARTICLE INFORMATION

Article Type: Original Research

Pages: 381-399

Article history:

Received: 20 Sep 2021

Edition: 9 Nov 2021

Accepted: 1 Feb 2022

Published online: 14 Mar 2022

Keywords:

Adoption, Foster Care, Iran, USA, Guardian

Corresponding Author:

Ahmad Reza Khazaei

Address:

Department of Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

Orchid Code:

0000-0003-3137-0496

Tel:

021-22481747

Email:

dr.khazaei46@yahoo.com

ABSTRACT

Background and Aim: The institution of adoption and its governing regulations is one of the important issues that have been considered by policy makers and legislators. The purpose of this study is to investigate the nature of the legal system governing adoption in Iran and the United States.

Materials and Methods: This research is of theoretical type and the research method is descriptive-analytical and the method of data collection is library and has been done by referring to documents, books and articles.

Ethical considerations: In order to organize this research, while observing the authenticity of the texts, honesty and fidelity have been observed.

Results: The findings of the present study show that in the US legal system, the institution of adoption has been identified in four different situations. However, in the Iranian legal system, this institution is only predicted in a fixed state.

Conclusion: The multiplicity of the nature of the adoption legal system prevails in the United States, but in contrast to the adoption system, the nature of Iran is uniform in nature. As a result, in cases of ambiguity, in the Iranian legal system, this ambiguity must be resolved in the light of the principles and rules governing the public law environment. And in the United States legal system, ambiguities, depending on what instance of the institution of adoption is being discussed, may be resolved in the light of the principles of public or private law.

Cite this article as:

Bohloli A, Khazaei AR, Masoumi J. Investigating the nature of the legal system governing adoption in Iran and the United States. *Economic Jurisprudence Studies* 2021-2022; Review on New Researches of Jurisprudence and Law.



فصلنامه مطالعات فقه اقتصادی، ویژه نامه جستارهای نوین فقه و حقوق، ۱۴۰۰

ماهیت نظام حقوقی حاکم بر فرزندخواندگی در ایران و آمریکا

عزیزه بهلولی^۱، احمدرضا خزایی^{۲*}، جمشید معصومی^۳

۱. دانشجوی دکتری گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

۲. دانشیار گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

۳. استادیار گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

چکیده

زمینه و هدف: نهاد فرزندخواندگی و مقررات حاکم بر آن، یکی از موضوعات مهمی می‌باشد که مورد توجه سیاست‌گذاران و قانون‌گذاران قرار گرفته است. هدف از پژوهش حاضر بررسی ماهیت نظام حقوقی حاکم بر فرزندخواندگی در ایران و آمریکا می‌باشد.

مواد و روش‌ها: این تحقیق از نوع نظری بوده روش تحقیق به صورت توصیفی تحلیلی می‌باشد و روش جمع‌آوری اطلاعات بصورت کتابخانه‌ای است و با مراجعه به اسناد، کتب و مقالات صورت گرفته است.

ملاحظات اخلاقی: در تمام مراحل نگارش پژوهش حاضر، ضمن رعایت اصالت متون، صداقت و امانت‌داری رعایت شده است.

یافته‌ها: یافته‌های پژوهش حاضر نشان می‌دهد که در نظام حقوقی ایالات متحده آمریکا، نهاد فرزندخواندگی در چهار وضعیت مختلف مورد شناسایی قرار گرفته است. حال آن که در نظام حقوقی ایران، نهاد مزبور صرفاً در یک وضعیت ثابت پیش‌بینی شده است.

نتیجه: چندگانگی، ماهیت نظام حقوقی فرزندخواندگی در ایالات متحده آمریکا حاکم می‌باشد؛ اما در مقابل نظام حقوقی فرزندخواندگی از نظر ماهیتی ایران دارای یکپارچگی می‌باشد در نتیجه در موارد ابهام، در نظام حقوقی ایران ابهام مزبور باید در پرتو اصول و قواعد حاکم بر فضای حقوق عمومی حل و فصل شود و حال آن که در نظام حقوقی ایالات متحده آمریکا، موارد ابهام، بر حسب این که در چه مصداقی از نهاد فرزندخواندگی مورد بحث می‌باشد، ممکن است در پرتو اصول و مبانی حقوق عمومی و یا حقوق خصوصی حل و فصل شود.

اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات: ۳۹۹-۳۸۱

سابقه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۶/۲۹

تاریخ اصلاح: ۱۴۰۰/۰۸/۱۸

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۱/۱۲

تاریخ انتشار: ۱۴۰۰/۱۲/۲۳

واژگان کلیدی:

فرزندخواندگی، سرپرستی، ایران، آمریکا، قیمومت.

نویسنده مسوول:

احمدرضا خزایی

آدرس پستی:

ایران، تهران، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی، گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی.

تلفن:

۰۲۱-۲۲۴۸۱۷۴۷

کد ارکید:

0000-0003-3137-0496

پست الکترونیک:

dr.khazaei46@yahoo.com

۱. مقدمه

رسالت اصلی هنجارها در هر نظام حقوقی، تنظیم روابط میان تابعان آن نظام است؛ به هر میزان که مصداق روابط پیچیده‌تر باشد، پیچیدگی و ظرافت هنجارها و مقررات حقوقی نیز افزایش می‌یابد. امروزه با حاکم شدن پست‌مدرنیسم بر روابط تابعان حقوق، متغیرهای فراوانی از جمله تکنولوژی و... وارد فضای روابط تابعان حقوق شده است. یکی از موضوعاتی که امروزه به تبع همین امر مورد توجه قانون‌گذاران داخلی قرار گرفته است، وضعیت اطفال بی‌سرپرست و بدسرپرست می‌باشد. در سال‌های اخیر به علت ایجاد بحران‌های مالی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی تعداد اطفال بی‌سرپرست و بدسرپرست افزایش قابل‌توجهی پیدا کرده است. از سوی دیگر به واسطه بیماری‌ها و مشکلات جسمی و جنسی مختلف، هر سال تعداد زیادی از زوجین به سوی فرزندخواندگی سوق پیدا می‌کنند؛ در نتیجه نهاد فرزندخواندگی و مقررات حاکم بر آن، یکی از موضوعات مهمی می‌باشد که مورد توجه سیاست‌گذاران و قانون‌گذاران قرار گرفته است. پرسشی که در اینجا مطرح می‌شود این است که نظام حقوقی حاکم بر نهاد فرزندخواندگی از نظر ماهیتی داخل در کدام بخش از فضای حقوق می‌باشد؟ به تعبیری نظام حقوقی مزبور را باید جزئی از نظام حقوق عمومی و یا جزئی از نظام حقوق خصوصی قلمداد نمود؟ هدف از پژوهش حاضر پاسخ به پرسش‌های فوق در پرتو نظام حقوقی ایران و ایالات متحده آمریکا است. فرضیه‌ای که در پاسخ به پرسش فوق مطرح

می‌شود این است که نظام حقوقی حاکم بر نهاد فرزندخواندگی در ایران، با توجه به نقش پررنگ دولت، بخشی از فضای حقوق عمومی محسوب می‌شود اما در فضای حقوقی ایالات متحده آمریکا به واسطه نقش‌آفرینی مؤسسات و بخش خصوصی جزئی از فضای حقوق خصوصی است.

در ارتباط با پیشینه پژوهش حاضر می‌توانیم به مقاله‌ی زرگوش‌نسب و باقری تحت عنوان «واکاوی فرزندخواندگی در نظام حقوقی اسلام، انگلستان و آمریکا» اشاره کنیم. در این پژوهش، موضوع فرزندخواندگی به کمک قواعد و مقررات قانونی و نظام حقوقی اسلام، انگلستان و آمریکا بررسی شده است. فرزندخواندگی آن است که کسی، دیگری را که فرزند نسبی او نیست، به فرزند پذیرد. در عربی، به فرزندخواندگی دعی و تبنی گفته می‌شود؛ تبنی در لغت یعنی پسرخواندگی و در اصطلاح، بر پسر یا دختری اطلاق می‌شود که مردی او را به فرزند پذیرفته باشد نسبت به آن مرد پسرخوانده گفته می‌شود. قرآن کریم این سنت جاهلی را باطل کرد و حکم نمود که فرزندخوانده‌ها به پدرانشان نسبت داده شوند و اگر پدرانشان ناشناخته باشند، آنان برادران دینی هستند. این تحقیق با شیوه‌ی توصیفی-تحلیلی به این موارد پرداخته است: حکم فرزندخواندگی در قرآن؛ روایات و آثار مترتب بر آن؛ رد این ادعا که فرزندخواندگی پدیده‌ای انسانی است؛ مقررات فرزندخواندگی در نظام حقوقی ایران، انگلستان و آمریکا و شرایط والدین پذیرنده. در عصر کنونی، یکی از مشکلات در حال افزایش، تحویل طفل از سوی والدین قانونی به متقاضیان

می‌کند و از سوی دیگر شرایط کودکان و نوجوانان بی‌سرپرست و بدسرپرست را مشخص می‌نماید و نیز تشریفات درخواست و نحوه رسیدگی به آن و صدور حکم سرپرستی و فسخ و انحلال آن را تعیین می‌کند، این موضوع را به نظم درآورد (نوریان، ۱۳۹۹، ۵۰-۳۱).

اهمیت و ضرورت پژوهش حاضر در این است که: اولاً، موارد سکوت، اجمال، تعارض و تراحم مقررات هر نظام حقوقی باید در پرتو اصول و قواعد مبنایی حل و فصل شود. اصول و قواعد مزبور، با توجه به ماهیت و جایگاه‌های هر موضوع، در ساختار یک نظام حقوقی مشخص می‌شوند. به بیان ساده‌تر، چنانچه یک موضوع در قلمرو حقوق عمومی قرار گیرد، موارد سکوت، اجمال، تراحم و تعارض مقررات حاکم بر آن، در پرتو اصول حقوق عمومی باید مورد بحث و بررسی قرار گیرد؛ حال آنکه چنانچه موضوع مزبور در قلمرو حقوق خصوصی قرار گیرد، چالش‌های آن نیز باید با تکیه بر اصول و قواعد حقوق خصوصی مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرند. نکته دوم اینکه، نظام حقوقی آمریکا به عنوان یکی از مصادیق نظام حقوقی کامن‌لا، با تکیه بر رویه قضایی، خلاءهای موجود در اجرای قوانین را می‌تواند به نحو احسن نشان بدهد و به همین دلیل، نظام حقوقی مزبور برای مطالعه تطبیقی یک الگوی مناسب محسوب می‌شود.

۲. مواد و روش‌ها

این تحقیق از نوع نظری بوده روش تحقیق به صورت توصیفی - تحلیلی می‌باشد و روش

نگهداری فرزند است، گاهی متقاضی با مقاصد خیرخواهانه اقدام می‌کند و گاهی به منظور رفع مشکل عاطفی است، چون متقاضی بدون فرزند است و گاهی به صورت غیرقانونی و غیرانسانی از طریق دریافت وجه صورت می‌گیرد (زرگوش‌نسب و باقری، ۱۳۹۸، ۸۶-۵۷).

مقاله‌ی دیگری که در زمینه می‌توانیم به آن اشاره کنیم، مقاله‌ی نوریان تحت عنوان «تحلیل حقوقی تعهدات مالی متقاضی سرپرستی کودکان و نوجوانان بی‌سرپرست و بدسرپرست» می‌باشد. از نظر نویسنده، امروزه بنا به دلایل گوناگون، از جمله مرگ والدین یا یکی از آن‌ها، بیماری نوزادان و ضعف بنیه اقتصادی والدین در جهت تأمین هزینه‌های درمان و نگهداری اطفال بیمار، طلاق و جدایی والدین و عدم توانایی آنان، نگهداری و تأمین هزینه، اعتیاد شدید والدین یا یکی از آن‌ها، تعدادی از کودکان و نوجوانان، فاقد سرپرست بوده یا بدسرپرست می‌باشند. از سوی دیگر بنا به دلایلی از جمله افزایش نرخ ناباروری، انگیزه‌های خیرخواهانه و بشردوستانه و غیره، برخی از افراد، متقاضی سرپرستی از کودکان بی‌سرپرست یا بدسرپرست هستند. علیرغم عدم پذیرش فرزندخواندگی در دین اسلام، قانونگذار در جهت ساماندهی نحوه نگهداری و سرپرستی از کودکان و به جهت اینکه دولت و به خصوص سازمان بهزیستی توان نگهداری و به سامان رساندن کودکان تا رسیدن به سن رشد و استقلال ایشان را ندارند، قصد دارد با تصویب مقرراتی که از یک سو شرایط زوجین و متقاضیان سرپرستی را تعیین

۵-۱-۱. تعریف فرزندخواندگی

فرزندخواندگی یا تبنی رابطه‌ای حقوقی است که میان کودک بی‌سرپرست یا بدسرپرست و زن یا مرد و یا زوجین واجدالشرايط قانونی شکل می‌گیرد (مولایی، ۱۴۰۰، ۲۴۷-۲۴۶)، که برای آنان رسیدن به لذت فطری والدین بودن و رشد و پروراندن یک انسان و برای کودک حمایت مادی و معنوی و بزرگ شدن در محیط خانواده را به همراه می‌آورد (آذرنوش، ۱۳۸۶، ۱۹۷)، اما اصلی‌ترین هدف آن همین حمایت است که در ماده‌ی یک قانون حمایت از کودکان و نوجوانان بی‌سرپرست و بدسرپرست به آن اشاره می‌شود (ارسطویی، ۱۳۹۹، ۱۱۲). در همین راستا سازمان بهزیستی فرزندخواندگی را چنین تعریف می‌کند: "فرزندخواندگی عبارت است از اعطای سرپرستی کودکان بدون سرپرست شناخته شده تحت سرپرستی سازمان بهزیستی به خانواده‌های متقاضی که واجدالشرايط قانون جاری حمایت از کودکان بی‌سرپرست باشند."

۵-۱-۲. پیشینه تاریخی نهاد فرزندخواندگی

در فرزندخواندگی دوران جاهلیت فرزند با پدرخوانده دارای رابطه‌ی نسبی می‌شد، دین اسلام این ترتیب را برهم زد و از مسلمانان خواست برای جلوگیری از مشکلات ایجادشده، بهتر است فرزندان را با نام پدر خود بشناسند. در ایران باستان نیز دین زرتشت به همان شیوه عمل می‌نمود و در صورت قبول فرزندخواندگی، فرزندخوانده، فرزند واقعی و صلبی پدر محسوب می‌شد (زرگوش‌نسب و باقری، ۱۳۹۸، ۶۳-۶۴). البته مسئله‌ی لقیط

جمع‌آوری اطلاعات بصورت کتابخانه‌ای است و با مراجعه به اسناد، کتب و مقالات صورت گرفته است.

۳. ملاحظات اخلاقی

در تمام مراحل نگارش پژوهش حاضر، ضمن رعایت اصالت متون، صداقت و امانت‌داری رعایت شده است.

۴. یافته‌ها

یافته‌های پژوهش حاضر نشان می‌دهد که در نظام حقوقی ایالات متحده آمریکا، نهاد فرزندخواندگی در چهار وضعیت مختلف مورد شناسایی قرار گرفته است. حال آن که در نظام حقوقی ایران، نهاد مزبور صرفاً در یک وضعیت ثابت پیش‌بینی شده است. میزان و نوع مداخله دولت در هر یک از مصادیق نهاد فرزندخواندگی در نظام حقوقی ایالات متحده آمریکا متفاوت می‌باشد؛ به تبع همین تفاوت، چندگانگی نسبی در نظام مزبور حاکم می‌باشد. اما در نظام حقوقی ایران علی‌رغم پراکندگی مقررات و عدم وجود یک مجموعه مقررات جامع و مانع نهاد فرزندخواندگی، به صورت بسیط مورد شناسایی قرار گرفته است.

۵. بحث

۵-۱. فرزندخواندگی در پرتو نظام حقوقی

ایران

در این قسمت ابتدا به تحلیل فرزندخواندگی و مداخله‌ی دولت در فرآیند می‌پردازیم.

دادن منافع کودک در فرزندخواندگی تأکید می‌کند (زرگوش‌نسب و باقری، ۱۳۹۸، ۷۵).

۵-۱-۴. میزان مداخله و نقش دولت

در قوانین مدون مربوط به سرپرستی، بخشی از قوانین امر مستقیم قانون‌گذار بوده و تخطی از آن‌ها و توافقی منافی با آن‌ها امکان‌پذیر نیست. بخش زیادی از آن‌ها در روند ابتدایی اعطای سرپرستی قرار دارد:

سازمان بهزیستی نهادی دولتی است که وظیفه‌ی نگهداری از کودکان و نوجوانان بی‌سرپرست و بدسرپرست و رسیدگی به موضوع فرزندخواندگی را بر عهده دارد. هر ایرانی چه داخل ایران زندگی کند، چه خارج از آن می‌تواند با دارا بودن شرایط مندرج در قانون برای سرپرستی اقدام کند و در صورتی که خارج از کشور زندگی می‌کند، سفارتخانه یا دفتر حافظ منافع وظیفه دارد با سازمان همکاری داشته باشد، اما این دادگاه صالح است که حکم سرپرستی را صادر می‌کند. ماده‌ی پنج قانون حمایت از کودکان و نوجوانان بی‌سرپرست و بدسرپرست ۱۳۹۲، شرایط افرادی را که می‌توانند برای سرپرستی اقدام کنند را می‌شمارد: یکی از سرپرستان باید بالای سی سال سن داشته باشد. اگر فرزند ندارند باید پنج سال از ازدواج آن‌ها گذشته باشد. دختر و زن مجردی که بالای سی سال داشته باشد برای اعطای سرپرستی دختران. قانون‌گاه تشخیص شرایط آن‌ها را به سازمان‌هایی دیگر می‌سپرد، مانند پزشکی قانونی در تشخیص عدم امکان بچه‌دار شدن زوجین که اگر

یعنی لزوم برداشتن نوزادی که والدینش آن را به خاطر گریختن از تهمت رابطه‌ی نامشروع یا ترس از گرسنگی و فقر بر سر راه رها کرده‌اند در اسلام طرح شده بود (زرگوش‌نسب و باقری، ۱۳۹۸، ۷۰).

۵-۱-۳. قوانین موجود در ایران

قانون اساسی در اصل ۲۱ در رابطه با کودکان بی‌سرپرست سخن به میان آورده و حمایت از آنان را از وظایف دولت می‌شمارد. ماده واحده‌ی مصوب ۱۳۶۲ تحت عنوان قانون تأمین زنان و کودکان بی‌سرپرست نیز رسیدگی به کودک بی‌سرپرست و رفاه و بیمه‌ی آن‌ها را وظیفه‌ی دولت اعلام می‌کند (زرگوش‌نسب و باقری، ۱۳۹۸، ۷۵). به تبع سکوت شرع در رابطه با فرزندخواندگی قانون مدنی ایران نیز به طور صریح از این موضوع بحثی مطرح نمی‌کند، اما نخست در قانون حمایت از کودکان بی‌سرپرست در سال ۱۳۵۳ و سپس در قانون جایگزین آن یعنی قانون حمایت از کودکان و نوجوانان بی‌سرپرست و بدسرپرست ۱۳۹۲ از نهادی تحت عنوان سرپرستی سخن به میان آورده که شبیه به فرزندخواندگی است و در آن شرایط، تعهدات لازم و آثار آن مطرح می‌شود (ارسطویی، ۱۳۹۹، ۱۱۳). آیین‌نامه اجرایی این قانون نیز در سال ۱۳۹۴ تصویب شد. دولت ایران با گذاشتن شرط‌هایی در رابطه با مواردی که در کنوانسیون حقوق کودک مغایر با اسلام است، با ماده واحده‌ی مصوب ۱۳۷۲ تحت عنوان قانون اجازه‌ی الحاق دولت جمهوری اسلامی ایران به کنوانسیون حقوق کودک، به این کنوانسیون پیوست که بر اولویت قرار

و روحی و توانایی نگهداری و تربیت فرزند، عدم اعتیاد و مبتلا نبودن به بیماری‌های صعب‌العلاج و واگیردار را از مراجع مربوطه گرفته و با ضمیمه‌ی نظر کارشناسی خود طی حداکثر دو ماه به دادگاه صالح ارسال نماید.

دادگاه صالح برای رسیدگی به موارد سرپرستی، سابقاً دادگاه حمایت خانواده بود، اما با تصویب لایحه‌ی قانونی دادگاه مدنی خاص ۱۳۸۵، دادگاه مدنی خاص جایگزین دادگاه حمایت خانواده شد و این موضوع باعث اختلاف محاکم دادگستری شد. رأی وحدت رویه‌ی شماره ۸۱۶ هیئت عمومی دیوان عالی کشور مورخ ۱۶ آذرماه سال ۱۴۰۰، دادگاه مدنی خاص را صالح به رسیدگی در زمینه‌ی نصب قیم برای صغار دانست و رسیدگی به موارد سرپرستی را خارج از صلاحیت این دادگاه دید و دادگاه صالح در رسیدگی به تقاضای سرپرستی دادگاه حقوقی محل اقامت درخواست‌کننده اعلام نمود.

زوجین متقاضی پس از ثبت درخواست در جلسات مشاوره شرکت می‌کنند و نتیجه‌ی جلسات در پرونده‌ی آن‌ها ثبت خواهد شد. کمیته‌ی ستادی و کمیته‌ی شبه‌خانواده‌ی استان متشکل از مدیرکل بهزیستی استان، معاون امور اجتماعی، کارشناس فرزندخواندگی، حقوقی و شبه‌خانواده استان و ممدکار، کمیته‌ی فرزندخواندگی را تشکیل می‌دهند، چنان‌چه کمیته متقاضی را تأیید کند، در لیست انتظار قرار خواهند گرفت و زمانی که نوبت آن‌ها برسد به شیرخوارگاه و بهزیستی معرفی و پس از انتخاب فرزند توسط بهزیستی به دادگاه صالح

زودتر از پنج سال هم قابل اثبات باشد قابل قبول است و برای بستگان متقاضی سرپرستی کودک یا نوجوان نیز استثنا قائل می‌شود که با نظر سازمان و رعایت مصلحت کودک می‌توان سرپرستی را به آن‌ها واگذار نمود.

کودکانی جهت واگذاری سرپرستی انتخاب می‌شوند که تمام تلاش‌ها برای یافتن خانواده‌ی واقعی‌شان و برگشت به آن‌ها انجام شده و به نتیجه نرسیده باشد و عدم رشد کودک یا نوجوان و یا نیاز به سرپرستی او باید برای دادگاه صالح محرز شود. همچنین در ماده‌ی هشت قانون حمایت از کودکان و نوجوانان بی‌سرپرست و بدسرپرست شرایط دیگری را نیز برای کودک یا نوجوان شمرده می‌شود. اختیار دیگری که قانون و سازمان در قانون سابق حمایت از کودکان بی‌سرپرست نداشتند، قابلیت دخالت و اقدام در اوضاع کودکان بدسرپرست بود، در قانون جدید زمانی که عدم صلاحیت سرپرستی را تشخیص داده شود، می‌توانند سرپرستی کودک را به فرد دیگری واگذار کنند، بر خلاف اینکه ممکن است به نظر برسد این راه‌حل دارای عواقب منفی برای کودک است و راه‌حلی همیشگی به نظر نمی‌آید اما می‌تواند این امکان را ایجاد کند که در آینده و با تغییر شرایط خانواده‌ی اصلی کودک، دوباره پیش آن‌ها برگردد (خنجری علی‌آبادی و سیفی علمی، ۱۳۹۶، ۱۷).

متقاضیان باید تقاضانامه‌ی سرپرستی خود را به سازمان تحویل دهند، سازمان بهزیستی موظف است بعد از وصول تقاضانامه و مدارک لازم، تأییدیه‌ی گواهی عدم سوءپیشینه، سلامت فیزیکی

دینی در خصوص احکام سرپرستی و مسائل مربوط به آن با در نظر گرفتن دینی که متقاضیان دارند، که با اقدام سازمان و با همکاری حوزه‌ی علمیه تأسیس شده و به مشاوره در این امور می‌پردازد، باید جلسات مشاوره با سرپرستان را برگزار کرده و با اعطای سرپرستی موافق باشد.

علاوه بر این، با توجه به مفاد ماده ۱۳ آیین‌نامه مزبور، پس از صدور حکم سرپرستی دادگاه باید سازمان را از این حکم مطلع کند. وظیفه‌ی نظارت بر امور فرزندخوانده و اجرای صحیح قوانین و آیین‌نامه در مراحل اعطای سرپرستی و در زمان سرپرستی بر عهده‌ی سازمان و در خارج از کشور بر عهده‌ی سفارتخانه‌ها، کنسولگری و یا دفتر حافظ منافع است.

درخصوص خروج از کشور دادستان با نظر سرپرستان و نظر کارشناسی سازمان برای صدور گذرنامه برای فرزندخوانده تصمیم می‌گیرد. اگر در دوره‌ی موقت سرپرستی این اتفاق می‌افتد، از سرپرستان توسط دادستان تضمین قانونی گرفته می‌شود و سازمان وظیفه دارد از احوالات و شرایط کودک در خارج از کشور باخبر باشد. قانون سفر واجب را از موارد ذکر شده مستثنی اعلام می‌کند اما در هر حال دادستان و سازمان باید از این سفر خبر داشته باشند.

در ارتباط با وضعیت شناسنامه فرزندخوانده باید خاطر نشان کرد که، پس از صدور حکم قطعی سرپرستی و با ابلاغ مفاد آن به اداره‌ی ثبت احوال و بهزیستی، شناسنامه‌ی فرزند با نام خانوادگی سرپرست صادر می‌شود، اما اداره‌ی ثبت احوال

جهت بررسی و صدور حکم سرپرستی موقت شش ماهه راهنمایی خواهند شد (ارسطویی، ۱۳۹۹، ۱۳۲). در صورتی که این دادگاه فرد متقاضی را واجد شرایط سرپرستی بداند با کسب نظر از سرپرست موقت او قرار آزمایشی را برای شش ماه صادر می‌کند. اگر دادگاه و سرپرست موقت در این زمینه به اختلاف نظر بخورند، دادگاه کاری را که به صلاح کودک است تشخیص و انجام خواهد داد (خنجری علی آبادی و سیفی علمی، ۱۳۹۶، ۱۷-۱۹).

پس از صدور حکم و ابلاغ مفاد آن به بهزیستی، کودک یا نوجوان با صورت جلسه به سرپرست موقت تحویل داده می‌شود. بهزیستی موظف است در زمان سرپرستی موقت سه بار مددکاران خود را برای ارزیابی اوضاع زندگی کودک یا نوجوان به محل زندگی موقت او بفرستد. سازمان پس از طی مراحل قانونی مقدمات لازم برای اعطای سرپرستی را انجام می‌دهد و در صورت به وجود نیامدن مشکل پس از گذشت شش ماه و با در نظر گرفتن نظر مددکاران اجتماعی در رابطه با شرایط جسمی و روحی کودک، پس از دریافت تعهدهای مورد نظر قانون از سرپرست موقت و در صورتی که شرایط مندرج در قانون رعایت شده باشند و خود متقاضیان همچنان متقاضی باشند و دادگاه سرپرستی را تدیید کرده و حکم سرپرستی قطعی را صادر خواهد کرد (ارسطویی، ۱۳۹۹، ۱۳۲).

با توجه به مفاد ماده ۱۲ آیین‌نامه اجرایی قانون حمایت از کودکان و نوجوانان بی‌سرپرست و بدسرپرست (از این پس آیین‌نامه)، مرکز مشاوره‌ی

به هر دلیل، از دادگاه بخواهد با در نظر گرفتن قوانین موجود، سرپرستی فرزند را به یکی از سرپرستان و یا شخصی دیگر واگذار کند، اگر کودک بالغ باشد باید نظر او مورد توجه قرار گیرد. در رابطه با اداره‌ی اموال او نیز مسئولیت با قیمی است که دادگاه برای او تعیین می‌کند (ارسطویی، ۱۳۹۹، ۱۲۴). سازمان طبق ماده‌ی ۷ آیین‌نامه مکلف است در صورت بروز این گونه اتفاقات، مراتب را به صندوق بازنشستگی و سازمان محل خدمت سرپرست اطلاع دهد، تا آن‌ها نیز روند قانونی لازم برای قطع یا برقراری حقوق و مزایا را اجرا نمایند. همچنین در رابطه با متقاضیانی که درخواست سرپرستی طفلی را دارند که خود پیدا کرده‌اند، در اسرع وقت باید خود و طفل را به سازمان محل یافتن کودک معرفی کنند و مدارک و شواهد موجود جهت اثبات پیدا شدن طفل را نیز تحویل دهند، تا زمان طی مراحل قانونی و صدور حکم، کودک یا نوجوان پیدا شده با درخواست دادگاه توسط سازمان نگهداری می‌شود اما اگر ضرورتی پیش بیاید، طفل طبق صلاح‌دید دادگاه توسط اداره‌ی بهزیستی نگهداری خواهد شد و یا با نظارت سازمان به متقاضی سرپرستی به طور موقت تحویل داده خواهد شد (ماده ۴ آیین‌نامه).

طبق ماده ۲۱ قانون حمایت از کودکان و نوجوانان بی‌سرپرست و بدسرپرست، مزایا و حقوقی که سازمان‌ها برای افرادی که بچه‌دار می‌شوند در نظر می‌گیرند، یعنی حق اولاد و مرخصی نگهداری از فرزندان زیر سه سال، باید برای سرپرست‌ها نیز اجرا شود. همچنین به فرد تحت سرپرستی مزایای

موظف است اطلاعات والدین واقعی کودک یا نوجوان و مفاد حکم سرپرستی را در شناسنامه درج کند و اطلاعات هویتی وی را به خوبی حفظ کند. فرد تحت سرپرستی می‌تواند بعد از رسیدن به هجده سالگی درخواست صدور شناسنامه با نام خانوادگی حقیقی خود یا در صورتی که آن را نداند، با نام خانوادگی مدنظر خود نزد اداره‌ی ثبت احوال ثبت کند. مدارک کودک یا نوجوان تحت سرپرستی به افراد غیر نشان داده نخواهد شد مگر با اجازه‌ی دادگاه و در صورت اینکه به صلاح فرد تحت سرپرستی باشد.

نکته‌ی دیگری که در این‌جا باید مدنظر قرار داد همین، بازگشت سرپرستان سابق است. در صورتی که والدین یا جد پدری کودک یا نوجوان تحت سرپرست یا وصی‌ای که ولی قهری اعلام داشته برای گرفتن سرپرستی به دادگاه مراجعه کنند. دادگاه صلاحیت آن‌ها را بررسی می‌کند، اگر صلاحیتشان حتی شده با ضم امین یا ناظر تأیید شود و دادگاه صلاح کودک را نیز در همین راستا ببیند، کودک را به آن‌ها تحویل می‌دهد، همچنین حق حضانت مادر در نظر گرفته شده و بدین ترتیب در اولویت است و اگر صلاحیت آنها تأیید نشود حکم سرپرستی باقی خواهد ماند و مسئولیت قیم یا امین در ماده‌ی ۱۱۸۴ و ۱۱۸۷ قانون مدنی نیز پس از مشورت با سازمان توسط دادگاه به سرپرست واگذار خواهد شد.

علاوه بر این، مسئله‌ی فوت سرپرست نیز حائز اهمیت است. سازمان بهزیستی موظف است در صورت فوت سرپرست، طلاق زوج و یا جدایی آن‌ها

بیمه‌های موجود، مثل بیمه‌ی تکمیلی نیز تعلق می‌گیرد.

در این جا باید موضوع فسخ سرپرستی را نیز مدنظر قرار دهیم. دادستان و سازمان در صورتی که تشخیص دهند ادامه‌ی سرپرستی صحیح نیست و یکی از موارد ماده ۲۴ اتفاق افتاده است، یعنی شرایط درخواست‌کننده که در ماده‌ی ۶ ذکر شده از بین رفته باشد، طفلی که رشید شده با سرپرست توافق کند و یا تقاضای سرپرست به علت رفتار سوء فرزند تحت سرپرستی و یا پیدا شدن والدین یا جد پدری یا وصی ولی قهری که حتی شده با ضم امین یا ناظر صلاحیت نگهداری بچه را داشته باشند، مراتب را به دادگاه صالح گزارش می‌نمایند، دادگاه بعد از بررسی پرونده و تشخیص یکی از موارد موجب فسخ مطرح شده در ماده‌ی ۲۵ قانون مربوطه، پس از کسب نظر کارشناسی سازمان اقدام به فسخ حکم سرپرستی خواهد نمود (خنجری علی آبادی و سیفی علمی، ۱۳۹۶، ۱۸). خود دادگاه نیز اگر نبود یکی از شرایط مندرج در قانون را تشخیص دهد، می‌تواند با مطلع کردن سازمان اقدام به فسخ حکم سرپرستی نماید.

موضوع دیگر، مسئله‌ی ازدواج سرپرست است. سازمان در صورتی که سرپرست تصمیم بگیرد ازدواج کند (که این موضوع را طبق قانون به سازمان اعلام کرده است) پس از انجام کارشناسی‌های مربوطه و در اختیار گذاشتن مشاوره‌های لازم برای سرپرست، در صورت وقوع ازدواج باید مراتب را به دادگاه اعلام کند. دادگاه برای وضعیت ادامه‌ی سرپرستی تصمیم خواهد

گرفت. یا سرپرستی را فسخ خواهد نمود یا حکم به سرپرستی مشترک خواهد داد (ماده ۱۰ آیین‌نامه). قانون‌گذار در مواردی نیز با توجه به اینکه هدف قانون وابسته به صلاح و منافع مادی و معنوی کودک یا نوجوان است قاطع نبوده و تصمیم‌گیری را بر عهده‌ی عوامل اجرایی، نظیر بهزیستی، دادستان و یا دادگاه گذاشته است: برای مثال می‌توانیم به مسئله‌ی ازدواج سرپرست با فرد تحت سرپرستی اشاره کنیم. با سکوت قانون مصوب ۱۳۵۳ در رابطه با ازدواج میان فرزندخوانده و سرپرست، دو برداشت از این سکوت به وجود آمده بود: نخست اینکه چون هدف اصلی و روح قانون از طرح این رابطه ایجاد محیطی شبیه به خانواده است، طرح مسائل جنسی و ازدواج جایی در آن ندارد و دوم اینکه با توجه به ماده یازده، سکوت در مقام بیان را نظر منفی تلقی نموده‌اند، از آنجا که حاکم بودن آثار نسب بر سرپرستی، موضوعی است خلاف اصل و طبیعت آن. قانون جدید سکوت را در این رابطه می‌شکند و ازدواج میان فرزندخوانده و سرپرست را ممنوع اعلام می‌کند اما تمام راه را نمی‌بندد و استثنایی مطرح می‌کند. اگر دادگاه بعد از اخذ نظر مشورتی سازمان بهزیستی صلاح فرزند را در این نکاح ببیند این امر می‌تواند صورت بگیرد. فارغ از اینکه ماهیت این استثنا دقیقاً چیست و باید آن را عدم نفوذ نکاح دانست یا صرفاً ثبت نشدن آن به صورت قانونی، این موضوع با هدف اصلی فرزندخواندگی و ایجاد محیط خانوادگی هم‌خوانی ندارد (ارفع‌نیا و جرفی، ۱۳۹۴، ۹-۷).

طبق قانون سرپرستان موظفند برای تأمین هزینه‌ی تحصیل، تربیت و نگهداری فرزند، به نفع او، خود را بیمه‌ی عمر کنند، این اتفاق با نظر سازمان بهزیستی و برای تضمین تأمین این هزینه‌ها حتی پس از فوت سرپرست تا تعیین سرپرست جدید انجام می‌گیرد، دادگاه می‌تواند با در نظر گرفتن مصلحت فرزند از این ماده نیز چشم‌پوشد (نوریان، ۱۳۹۹، ۳۱-۵۰). میزان سرمایه‌ی بیمه با توجه به نیازهای آینده‌ی کودک و وضعیت حاکم بر جامعه تعیین می‌شود. صندوق بازنشستگی نیز موظف است پس از فوت سرپرست به فرد تحت سرپرستی او نیز تا زمان تعیین سرپرست جدید مقرری و مزایایی که به طور معمول به افراد تحت تکفل پرداخت می‌کند را به او نیز پرداخت نماید (ماده ۵ آیین نامه).

۵-۲. فرزندخواندگی در پرتو نظام حقوقی

ایالات متحده آمریکا

در این قسمت به بررسی نهاد فرزندخواندگی در چهارچوب نظام حقوقی ایالات متحده آمریکا می‌پردازیم.

۵-۲-۱. تعریف فرزندخواندگی در چهارچوب

نظام حقوقی آمریکا

فرزندخواندگی در جامعه‌ی آمریکا از نظر اجتماعی-روانشناسی یک تصمیم کاملاً شخصی و بسیار تأثیرگذار برای همه‌ی افراد درگیر در آن محسوب می‌شود. از طرفی فرزندخوانده و فرآیند فرزندخواندگی به واسطه وجود قوانین و

علاوه بر این، شرایط مالی قبل و بعد از حکم سرپرستی نیز موضوعی است که مورد توجه قانون‌گذار قرار دارد. فرزندخوانده و والدین هیچ‌کدام از هم ارث نمی‌برند. بنابراین قانون شرایطی را اندیشیده که در صورت فوت سرپرست با وجود این خلاء، حمایت مادی کافی از فرزندخوانده انجام شود. طبق قانون مربوطه‌ی مصوب ۱۳۹۲، درخواست‌کننده‌ی سرپرستی باید به جهت تأمین هزینه‌ی زندگی فرزند قسمتی از اموال یا حقوق خود را به تملک فرزند درآورند. این دادگاه است که میزان، نوع و شرایط اموال یا حقوق را بسته به مصلحت کودک یا نوجوان تعیین می‌کند، مثلاً اگر سرپرستی ضرورت داشته باشد، دادگاه می‌تواند از درخواست‌کننده تعهد کتبی مبنی بر تملیک میزانی از اموال یا حقوق در آینده را درخواست کند و یا به طور کلی از این ماده‌ی قانونی چشم‌پوشی کند. عبارت تشخیص دادگاه در قانون مصوب ۱۳۵۳ نبود اما عملاً رویه‌ی قضایی به همین صورت پیش می‌رفت. گاه به صورت تملیک مال غیرمنقول با عقد صلح و تنظیم سند رسمی و یا در صورتی که درخواست‌کننده کارمند دولتی بود یا در زمان سرپرستی اموالی نداشت، به صورت تنظیم وصیت یک‌سوم اموال و حقوق در وصیت‌نامه، که به تشخیص دادگاه انجام می‌گرفت. گاه دادگاه برای اطمینان از به جا آوردن این تعهد از متقاضیان درخواست تضمین می‌نمود، مثل ضامن، اخذ وجه به عنوان سپرده، تودیع سند وثیقه و یا گواهی از محل دریافت حقوق (نوریان، ۱۳۹۹، ۳۱-۵۰).

که بر نهاد فرزندخواندگی در آمریکا حاکم است (استیلز، ۲۰۱۶، ۱۵-۱۱).

درگاه اطلاعاتی رفاه کودکان قوانین ایالتی را در مورد اطلاعاتی که والدین فرزندخوانده درباره‌ی پیشینه کودک اعم از پیشینه پزشکی، پیشینه خانوادگی، اجتماعی، و... باید ارائه کنند را به صورت خلاصه مورد اشاره قرار داده است. علاوه بر این، مقررات راجع به فرزندخواندگی توسط اقوام و خویشاوندان نیز در این درگاه ارائه شده است (واتسون، ۲۰۲۲، ۲۳-۲۲). مع الوصف، بررسی تمام قوانین ایالتی در پژوهش حاضر میسر نیست. بلکه موضوعات مهم و اساسی فرزندخواندگی در قوانین فدرال و معاهدات بیان شده است که قوانین ایالتی نیز مکلف به تبعیت از آن می‌باشند. در نتیجه، ما نیز به بررسی و معرفی قوانین و معاهدات اخیر می‌پردازیم.

۵-۲-۱. مقررات پناهگاه ایمن

مقررات پناهگاه ایمن، در واقع مجموعه‌ای از اساسنامه‌هایی می‌باشد که به مادران اجازه می‌دهد تا نوزادان خود را به صورت قانونی و محرمانه نزد سرپرستان مجاز در مکان‌هایی از قبل تعیین شده واگذار کنند (فدرل، ۲۰۱۲، ۸۳۶-۸۳۵). هدف از این مقررات اساسنامه‌ای کاهش مرگ و میر نوزادان و تروماهای ناشی از رهاکردن ناایمن است. به تعبیری، مقررات مزبور با ارائه یک راهکار امن برای خروج مادر از بحران بدون آسیب دیدن کودک فراهم می‌کند. پس از رها کردن طفل از طریق این سازوکار، طفل مزبور برای فرزندخواندگی قرار

سیاست‌های مناسب، به بهترین نحو حفظ شوند تا در درجه اول بیشترین منافع کودک و در درجه دوم والدین سرپرست تضمین شود. در ایالات متحده آمریکا یک تعریف واحد برای فرآیند فرزندخواندگی وجود دارد. بنابر تعریف مزبور: فرزندخواندگی فرآیندی برای ایجاد یک رابطه قانونی میان فرزند و والدینی می‌باشد که والدین مزبور به عنوان والدین طبیعی (بیولوژیک) در زمان تولد محسوب نمی‌شوند.

۵-۲-۲. مقررات داخلی نظام حقوقی ایالات متحده آمریکا راجع به فرزندخواندگی و تعهدات موضوع آن‌ها

در نظام حقوقی ایالات متحده، یک قانون واحد که بر نهاد فرزندخواندگی در تمام ایالات حاکم باشد، وجود ندارد. هر ایالت مجموعه‌ای از مقررات خاص خود را برای فرزندخواندگی درون ایالتی، فرزندخواندگی داخلی و دوران پس از پذیرش فرزندخواندگی تصویب کرده است. در این قوانین موضوعات مختلفی از جمله مقام ترتیب‌دهنده‌ی فرزندخواندگی (وکلا، تسهیل‌گران، مشاوران، آژانس‌های فرزندخواندگی و...)، شرایط لازم برای فرزندخواندگی، شرایط مربوط به تحصیل فرزندخوانده، حقوق پدران بیولوژیک مجرد در مواردی که مادر بخواهد فرزند خود را برای فرزندخواندگی معرفی کند و... مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد. علاوه بر قوانین ایالتی، قوانین فدرالی و حتی برخی معاهدات بین‌المللی نیز وجود دارد

۵-۲-۳. قانون فرزندخواندگی و خانواده‌های

ایمن

قانون فرزندخواندگی و خانواده‌های ایمن یک قانون فدرال است که در سال ۱۹۹۷ به تصویب رسیده است. این قانون چهارچوب‌های زمانی و الزاماتی را برای ایالت‌ها تعیین می‌کند تا کودکان را در صورت اقتضاء به موقع از مراکز نگهداری خارج و به فرآیند فرزندخواندگی منتقل کند. این قانون امکان برنامه‌ریزی و به طور همزمان تحقیق برای الحاق طفل به یک خانواده و حتی سایر گزینه‌های راجع به ماندن دائمی طفل را فراهم می‌کند. علاوه بر این، این قانون ایالت‌ها را ملزم می‌کند که پس از گذشت ۱۵ ماه، به جز در موارد استثنائی، درخواست پایان دادن به حقوق والدین طبیعی را ارائه دهند و در مواردی آسیب‌های شدیدی به طفل وارد شده است، این فرآیند را در بازه‌ی زمانی کمتر از ۱۵ ماه انجام دهند (کارنس، ۲۰۱۶، ۱۱۲-۱۱۱).

۵-۲-۴. توافق بین ایالتی راجع به جابه‌جایی

کودکان

این توافق در واقع یک قرارداد میان ۵۰ ایالت، ناحیه کلمبیا و جزایر ویرجین آمریکا است که به آن‌ها اجازه می‌دهد تا از طریق همکاری با یکدیگر، این اطمینان را ایجاد کنند که تمام اطفالی که برای سرپرستی و فرزندخواندگی قرار می‌گیرند از خدمات حمایتی و حفاظتی کافی و مناسب برخوردار شوند. این همکاری‌ها در موارد نیاز به جابه‌جایی کودکان از یک ایالت به ایالت دیگر کاربرد دارند. برای مثال الزاماتی را که باید قبل از

می‌گیرد. این مقررات عموماً سنی را که یک طفل را می‌توان «طفل تازه متولد شده» قلمداد کرد، مکان‌هایی که پناهگاه ایمن محسوب می‌شوند و سازوکار حفاظت از مادر را مورد بحث و بررسی قرار می‌دهند (دوگلاس، ۲۰۱۷، ۱۰۷-۱۰۵). از فوریه ۲۰۰۸ میلادی، تمام پنجاه ایالت (به استثنای بخش کلمبیا)، مقررات پناهگاه ایمن را برای حمایت از نوزادان و مادران در معرض خطر تصویب کرده‌اند.

۵-۲-۲. حقوق راجع به ثبت پدر فرضی

حقوق راجع به ثبت پدر فرضی (که در برخی موارد تحت عنوان دفتر ثبت پدری یا دفاتر ثبت دعاوی پدری نامیده می‌شوند) حدود مداخله و تأثیرگذاری پدر بیولوژیک مجرد را در تصمیم مادر برای تحت فرزندخواندگی قرار دادن نوزاد را تنظیم می‌کند. به طور کلی این مقررات یک چهارچوب زمانی تعیین می‌کند که در آن پدر فرضی باید در یک سازمان معتبر دولتی ثبت‌نام کند تا حق اطلاع از فرآیند مربوط به پایان دادن به حقوق والدین یا عدم رضایت به قرارداد طفل برای فرزندخواندگی را پیدا کند. تمام ایالت‌ها دارای مقررات راجع به ثبت پدر فرضی هستند. نکته جالب توجه این است که، در برخی از این مقررات، پدر فرضی را ملزم می‌کند که اولاً ثابت کند که پدر بیولوژیک یا طبیعی طفل می‌باشد و ثانیاً متعهد به تأمین عالی‌ترین منافع مادر و طفل است (مکبراید، ۲۰۱۶، ۲۰۶-۲۰۵).

۵-۲-۲-۶. قانون استقرار چندقومیتی

قانون استقرار چندقومیتی در واقع یک قانون فدرال می‌باشد که نهادهای درگیر در فرآیند سرپرستی و فرزندخواندگی را مکلف می‌کند که از شکل‌گیری فرآیند فرزندخواندگی یا سرپرستی صرفاً براساس نژاد، رنگ و ملیت ممانعت به عمل آورند. این قانون براساس اصل عدم تبعیض و تعهدات حقوق بشری ناشی از آن طراحی و تصویب شده است (ویجیسینق، ۲۰۲۱، ۱۱۳-۱۱۲).

۵-۲-۳. مقررات بین‌المللی نظام حقوق داخلی**ایالات متحده آمریکا راجع به فرزندخواندگی و****تعهدات موضوع آن‌ها**

در این قسمت به بررسی مقررات بین‌المللی که در نظام حقوق داخلی آمریکا در ارتباط با نهاد فرزندخواندگی قابل اعمال هستند و همچنین قوانین داخلی راجع به مقررات مزبور خواهیم پرداخت.

۵-۲-۳-۱. کنوانسیون لاهه

کنوانسیون لاهه در مورد حمایت از کودکان و همکاری در رابطه با فرزندخواندگی بین کشوری یک معاهده چندجانبه است که در سال ۱۹۹۴ توسط ایالات متحده امضا شد و در آوریل ۲۰۰۸ لازم‌الاجرا شد. این پیش‌نویس برای اجرا توسط کنفرانس لاهه در مورد حقوق بین‌الملل خصوصی در ۲۹ می ۱۹۹۳ تهیه شد. کشورهای منفرد، از جمله شورهای که عضو کنفرانس لاهه نیستند، در تشکیل کنوانسیون شرکت کردند؛ در واقع همه

قرار گرفتن کودک جهت سرپرستی یا فرزندخواندگی در خارج از ایالت انجام گیرد، در این قانون مورد اشاره قرار گرفته است. مقررات این توافق، ایمنی و مناسب بودن مکان‌های احتمالی برای سرپرستی و فرزندخواندگی را تأیید می‌کند؛ علاوه بر این، تضمین می‌کند که فرد یا نهادی که کودک را برای فرزندخواندگی قرار داده است، از نظر قانونی و مالی در قبال کودک حتی پس از قرار گرفتن تحت فرزندخواندگی یا سرپرستی، مسئول باقی خواهد ماند (استاتسکای، ۲۰۲۰، ۵۹۵).

۵-۲-۲-۵. قانون رفاه کودکان سرخ‌پوست

قانون رفاه کودکان سرخ‌پوست یک قانون فدرال است که تصریح می‌کند کدامیک از کودکان بومی آمریکای شمالی را می‌توان به فرزندخواندگی پذیرفت. این قانون در واقع مشارکت قبیله‌ای در همه مصادیق فرزندخواندگی با در نظر گرفتن میراث بومی آمریکا را تضمین می‌کند. قانونی که در سال ۱۹۷۸ تصویب شد، حاکمیت قبیله را در مورد انصراف و فرزندخواندگی حفظ می‌کند. به تعبیری، مطابق با این قانون برای تعیین این‌که آیا کودک واجد شرایط عضویت در قبیله است یا خیر، اطلاعیه‌ای به قبیله‌ی مناسب باید ارسال شود. اگر کودکی واجد شرایط عضویت باشد، و از طرفی نیز قبیله تصمیم بگیرد که مداخله کند، در این صورت قبیله باید به فرزندخواندگی رضایت دهد (رایلی، ۲۰۲۱، ۴۱-۳۹).

برای رویه‌های اعتبارسنجی و پذیرش در کشورهای غیرعضو کنوانسیون رعایت کنند که برای کشورهای عضو کنوانسیون رعایت می‌کنند. در این راستا، قانون اعتبارسنجی یکنواختی بیشتری را در شیوه‌های پذیرش به ارمغان آورد و به بسیاری از تفاوت‌های بین کشورهای لاهه و کشورهای غیرکنوانسیون پایان داد. معنای این امر برای والدینی که قصد پذیرش فرزندخوانده را دارند این است که، کار آن‌ها با ارائه‌دهندگان خدمات فرزندخواندگی همان آموزش، آماده‌سازی و فرآیندهایی را دنبال می‌کند که خانواده‌های یک کشور عضو کنوانسیون در فرآیند فرزندخواندگی می‌پذیرند (زیممن، ۲۰۱۵، ۱۷۶-۱۷۷).

۵-۲-۴. اقسام فرزندخواندگی و سرپرستی

در ایالات متحده آمریکا

با در نظر گرفتن مقررات داخلی و بین‌المللی حاکم بر نظام حقوقی ایالات متحده آمریکا، نهاد فرزندخواندگی به طور کلی به چهار نوع تقسیم می‌شود که در ادامه به تشریح آن‌ها می‌پردازیم.

وضعیت سرپرستی: هنگامی که والدین طبیعی کودک دیگر نمی‌توانند از آن‌ها مراقبت کنند، ضمن توقف حقوق والدین، کودک از فرآیند مراقبتی والدین خود حذف می‌شوند. سپس کودکان به طور موقت در خانه‌های سرپرستی یا گروهی قرار می‌گیرند، و در عین حال برای فرزندخواندگی یا حتی پیوستن به خانواده‌شان آماده می‌شوند. در طول این مدت، خانواده و یا سرپرستان، در واقع برای نگهداری از کودک به دولت کمک می‌کنند؛

کشورها می‌توانستند طرف معاهده باشند. کنوانسیون لاهه رویه‌های حقوقی بین‌المللی یکسانی را برای حفاظت از منافع کودکان، والدین طبیعی و والدین پذیرنده در فرآیند فرزندخواندگی بین کشوری تعیین می‌کند. بر اساس کنوانسیون لاهه، وزارت امور خارجه ایالات متحده مرجع مرکزی در ایالات متحده برای فرزندخواندگی بین کشوری است (جورج، ۲۰۲۱، ۶۳۶-۶۳۵). تا آوریل ۲۰۲۲، یکصد و دو کشور طرف متعاقد این کنوانسیون هستند.

۵-۲-۳-۲. قانون فرزندخواندگی بین کشوری

مصوب سال ۲۰۰۰

هدف از این قانون، اجرای جنبه‌های کنوانسیون لاهه در مورد فرزندخواندگی با تعیین وزارت امور خارجه به‌عنوان مرجع مرکزی ایالات متحده، تعیین الزامات برای مؤسسات اعتباربخشی برای نظارت بر ارائه‌دهندگان خدمات فرزندخواندگی، تعیین الزامات برای تأیید اعتبار ارائه‌دهندگان فرزندخواندگی، و وضع قوانین بنیادی برای انتشار مقررات حاکم بر شیوه‌های فرزندخواندگی بین کشوری بین ایالات متحده و سایر کشورهای عضو کنوانسیون لاهه در مورد فرزندخواندگی می‌باشد (اهالوران، ۲۰۲۱، ۵۵۷-۵۵۶).

۵-۲-۳-۳. قانون اعتبارسنجی جهانی

این قانون در سال ۲۰۱۳ به تصویب رسید و از سال ۲۰۱۴ لازم‌الاجرا شد. ارائه‌دهندگان خدمات فرزندخواندگی را ملزم می‌کند که همان الزاماتی را

۶. نتیجه

در ارتباط با ماهیت نظام حقوقی حاکم بر فرزندخواندگی در ایران باید عنایت داشت که نهاد فرزندخواندگی، در قالب یک عنوان حقوقی مستقل که دارای یک مصداق منحصر نیز می‌باشد به رسمیت شناخته شده است. از طرفی در نظام حقوقی ایران یک مجموعه مقررات مستقل که به صورت جامع و مانع وضعیت فرزندخواندگی را مدنظر قرار داده باشد، وجود ندارد؛ بلکه مجموعه مقررات راجع به فرزندخواندگی به صورت پراکنده در قوانین آیین‌نامه‌ها و بخشنامه‌های بهزیستی بیان شده است. در این میان دولت (در معنای عام کلمه) در حدود قوانین و مقررات موجود، در جهت حمایت از حقوق و منافع فرزندخوانده به نقش آفرینی می‌پردازد. با توجه به نقش پررنگ و اساسی دولت و همچنین وجود نظارت در فرآیند فرزندخواندگی، نظام حقوقی حاکم بر آن را باید در قلمرو نظام حقوق عمومی قلمداد نمود و به تعبیری در نظام حقوقی حاکم بر فرزندخواندگی، عنصر اراده و توافقات خصوصی افراد در فرآیند فرزندخواندگی، از درجه اعتبار و اهمیت بسیار کمتری برخوردار است. اما در ارتباط با نهاد فرزندخواندگی در ایالات متحده آمریکا باید توجه داشت که نهاد مزبور در چهار حالت و مصداق مختلف مورد شناسایی قانون‌گذار قرار گرفته است. در هر کدام از مصادیق مزبور میزان مداخله دولت بسته به میزان و نوع اختیارات و صلاحیت‌های سرپرست نسبت به فرزندخوانده متفاوت است.

به بیان ساده‌تر، در این مدت دولت مسئول اصلی سرپرستی و حمایت از کودک را بر عهده دارد (رابرتس، ۲۰۲۲، ۱۱۹-۱۱۷).

سرپرستی برای فرزندخواندگی: در این حالت، کودک در اختیار یک خانواده برای سرپرستی قرار می‌گیرد با این تفاوت که کودک از نظر قانونی برای پذیرفته شدن به عنوان فرزندخوانده در خانواده‌ای که سرپرستی وی را بر عهده گرفته‌اند، منعی وجود ندارد (مونی و همکاران، ۲۰۲۱، ۱۷۲-۱۷۱).

فرزندخواندگی نوزادان از طریق واسطه: این نوع فرزندخواندگی یک روش بسیار مرسوم در ایالات متحده آمریکا می‌باشد. بسیاری از افرادی که نوزاد می‌خواهند سعی می‌کنند از طریق یک واسطه مانند وکیل، پزشک یا تسهیل‌کننده دیگر مانند مؤسسات فرزندخواندگی و سرپرستی برای فرزندخواندگی اقدام کنند. در این نوع از فرزندخواندگی، فرزندخوانده تبدیل به عضو دائم خانواده می‌شود و حدود دخالت دولت در ارتباط با وی، مانند سایر اعضا خانواده می‌باشد (گلسر، ۲۰۲۲، ۶۵-۶۳).

فرزندخواندگی مستقل: در این فرزندخواندگی، والدین پذیرنده از طریق مؤسسات سرپرستی اقدام به شناسایی و پذیرش فرزندخوانده نمی‌کنند بلکه به صورت مستقیم و مستقل وارد فرآیند فرزندخواندگی می‌شوند. این نوع از فرزندخواندگی عموماً در مواردی که شناخت قبلی نسبت به فرزندخوانده وجود دارد، انجام می‌گیرد (میلر، ۲۰۲۱، ۵۱۷-۵۱۶).

۷. سهم نویسندگان

کلیه نویسندگان به صورت برابر در تهیه و تدوین پژوهش حاضر مشارکت داشته‌اند.

۸. تضاد منافع

در این پژوهش هیچگونه تضاد منافی وجود ندارد.

در وضعیت فرزندخواندگی، دولت صرفاً نظارت کلی بر فرآیند فرزندخواندگی دارد و سرپرستان در اعمال صلاحیت‌ها و اختیارات خود دارای آزادی عمل قابل توجهی می‌باشند؛ اما در وضعیت سرپرستی، دولت و نهادهای دولتی در جزئی‌ترین موضوعات راجع به فرزندخوانده دخالت و نظارت مستقیم خود را اعمال می‌کنند؛ به همین دلیل نظام حقوقی حاکم بر فرزندخواندگی در ایالات متحده آمریکا، دارای ماهیتی دوگانه می‌باشد. در وضعیت فرزندخواندگی، محیط نظام مزبور، جزئی از قلمرو حقوق خصوصی می‌باشد اما در وضعیت سرپرستی، ماهیت آن جزئی از فضای حقوق عمومی می‌باشد. در نتیجه با توجه به آنچه بیان شد چندگانگی ماهیت نظام حقوقی فرزندخواندگی در ایالات متحده آمریکا حاکم می‌باشد اما در مقابل نظام حقوقی فرزندخواندگی از نظر ماهیتی ایران دارای یکپارچگی می‌باشد در نتیجه در موارد سکوت، اجمال، تعارض و تراحم مقررات در نظام حقوقی ایران، باید در پرتو اصول و قواعد حاکم بر فضای حقوق عمومی حل و فصل شود و حال آن که در نظام حقوقی ایالات متحده آمریکا، موارد سکوت، اجمال، تعارض و تراحم مقررات حاکم، بر حسب این‌که چه مصداقی از نهاد فرزندخواندگی مورد بحث می‌باشد، ممکن است در پرتو اصول و مبانی حقوق عمومی و یا حقوق خصوصی حل و فصل شود.

منابع

مادرخوانده»، مطالعات علوم سیاسی، حقوق و فقه، دوره هفتم، شماره یک، ۱۴۰۰.

- نوریان، علی، «تحلیل حقوقی تداوم مالی متقاضی سرپرستی کودکان و نوجوانان بی‌سرپرست و بدسرپرست»، فصلنامه علمی آراء، دوره سوم، شماره چهار، ۱۳۹۹.

منابع لاتین

- Douglas Emily M. Child Maltreatment Fatalities in the United States: Four Decades of Policy, Program, and Professional Responses. London, Springer, 2017.

- Federle Katherine H. Children and the Law: An Interdisciplinary Approach with Cases, Materials and Comments, 2012.

- George R. Blackstone's Statutes on Family Law 2021-2022, Oxford, Oxford University Press, 2021.

- Glaser G. American Baby: A Mother, a Child, and the Secret History of Adoption. Hague, Penguin Publishing Group, 2022.

- Karnes Lesley J. The Adoptions and Safe Families Act of 1997: A Policy Analysis. Long Beach, California State University Press, 2016.

- McBride Dorothy E., Janine A. Women's Rights in the USA: Policy Debates and Gender Roles, London, Routledge, 2016.

- Miller Roger L., Meinzing M. Paralegal Today: The Legal Team at Work. London, Cengage, 2021.

- Mooney L.A., Molly C., Marieke Van W. Understanding Social Problems. London, Cengage, 2021.

- آذرنوش، آذرتاش، فرهنگ معاصر غربی، فارسی، چاپ هشتم، تهران، نشرنی، تهران، ۱۳۸۶.

- ارسطویی، مرجان، «ماهیت، آثار و شرایط فرزندخواندگی در حقوق ایران با نگاهی تطبیقی در مبانی اسلامی و حقوق انگلستان»، فصلنامه حقوق کودک، دوره دوم، شماره شش، ۱۳۹۹.

- ارسطویی، مرجان، «تعهدات زوجیه سرپرست نسبت به فرزندخوانده و ضمانت اجرای آن در نظام حقوقی ایران با مطالعه تطبیقی در حقوق انگلستان»، فصلنامه حقوق کودک، دوره دوم، شماره هشت، ۱۳۹۹.

- ارفع‌نیا، بهشید، جرفی، هادی، «وضعیت حقوقی فرزندخواندگی در حقوق ایران، مقررات بین‌المللی و تعارض قوانین»، تحقیقات حقوقی بین‌المللی، دوره هشتم، شماره بیست و هشت، ۱۳۹۴.

- خنجری علی آبادی، امین، سیفی علمی، امین، «بررسی فرزندخواندگی در فقه امامیه و حقوق موضوعه ایران»، فصلنامه علمی حقوقی قانون یار، دوره اول، ۱۳۹۶.

- زرگوش‌نسب، عبدالجبار، باقری، پرویز، «واکاوی فرزندخواندگی در نظام حقوقی اسلام، انگلستان و آمریکا»، فصلنامه‌ی پژوهش تطبیقی حقوق اسلام و غرب، دوره ششم، شماره یک، ۱۳۹۸.

- مولایی، فاطمه، «بررسی نقش قاعده الحرج در ایجاد راه‌های محرمیت فرزندخوانده و پدرخوانده و

- Stills J. Baby Adoption: The Unconventional Guide. London, Lulu, 2016.
- Watson Jillian M. Women's Health: Understanding Issues and Influences. Washington, ABC-CLIO, 2022.
- Wijeyesinghe Charmaine L. The Complexities of Race: Identity, Power, and Justice in an Evolving America, New York, New York University Press, 2021.
- Zimmerman Joseph F. Unifying the Nation: Article IV of the United States Constitution, London, SUNY Press, 2015.
- O'Halloran K. The Politics of Adoption: International Perspectives on Law, Policy and Practice, London, Springer, 2021.
- Riley Naomi S. No Way to Treat a Child: How the Foster Care System, Family Courts, and Racial Activists Are Wrecking Young Lives, New York, Post Hill Press, 2021.
- Roberts D., Torn Apart: How the Child Welfare System Destroys Black Families--and How Abolition Can Build a Safer World, London, Basic Books, 2022.
- Statsky William P. Family Law, London, Cengage, 2020.

